

جمهوری اسلامی پاکستان: چه گونه بریتانیا یک دولت - ملت جدید خلق کرد؟

یوسف کهن



Founded by QAEDE-AZAM MOHAMMAD ALI JINNAH
Edited by ALTAF HUSSAIN

WEDNESDAY, AUGUST 15, 1947, 77 RAHMANA, 1, N. KARACHI, 100 1/2 IN.



BIRTH OF PAKISTAN AN EVENT IN HISTORY

Lord Mountbatten's Address to Pakistan Constituent Assembly

COLOURFUL SCENES OF SPLENDOUR AT THE SECRETARIAT HALL

VICEROY'S GOOD WISHES FOR THE PROSPERITY OF NEW NATION

TRIBUTES TO QAEDE-AZAM JINNAH

A BIRTH OF A NATION... THE VICE-ROY... THE CONSTITUENT ASSEMBLY OF PAKISTAN... THE WORLD WITH A BOLD RESOLVE... THE VICE-ROY... THE CONSTITUENT ASSEMBLY OF PAKISTAN... THE WORLD WITH A BOLD RESOLVE...



QAEDE-AZAM MOHAMMAD ALI JINNAH, PRESIDENT OF THE CONSTITUENT ASSEMBLY... THE VICE-ROY... THE CONSTITUENT ASSEMBLY OF PAKISTAN... THE WORLD WITH A BOLD RESOLVE...

Some Salient Features

DAWN OF FREEDOM IN INDIAN UNION

Hindemby Members Take Prescribed Oath

THE CHIEF MINISTER... THE VICE-ROY... THE CONSTITUENT ASSEMBLY OF PAKISTAN... THE WORLD WITH A BOLD RESOLVE...

NEW CABINET OF INDIA

THE PRIME MINISTER... THE VICE-ROY... THE CONSTITUENT ASSEMBLY OF PAKISTAN... THE WORLD WITH A BOLD RESOLVE...

۳۰ سپتامبر ۱۹۴۷، پذیرش پاکستان به عنوان کشور مستقل مسلمانان شبه قاره ی هند در سازمان ملل متحد، تصویر صفحه ی اول روزنامه ی سپیده دم متعلق به محمد علی جناح

معرفی

بعد از جنگ جهانی دوم - و به ویژه پس از خاتمه‌ی جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی - نزاع‌های قومی، ملی و مذهبی خون‌باری صورت گرفتند^۱ که به تأسیس حدود ۵۰ کشور یا به بیان درست‌تر «دولت-ملت» جدید انجامیدند.^۲ برای تأمین تسلیحات این جنگ‌ها - فقط در قاره‌ی افریقا - ظرف چهار سال (۱۹۷۶-۱۹۸۰)، ۵۵.۵ میلیون

۱ نمونه‌شان جنگ هند و پاکستان (۱۹۴۷)، جنگ کره شمالی با کره جنوبی (۱۹۵۰-۱۹۵۳)، جنگ ویتنام شمالی با ویتنام جنوبی (۱۹۵۵-۱۹۷۵)، جنگ جمهوری اسلامی ایران با عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، کشتار صبرا و شتیلا (۱۹۸۲)*، حمله ترکیه به گردها (۱۹۸۴)**، جنگ در جمهوری‌های یوگسلاوی سابق (۱۹۹۲-۱۹۹۵)***، جنگ در رواندا (۱۹۹۴)****، جنگ چچن (۱۹۹۴-۱۹۹۶)، جنگ دارفو (۲۰۰۳)****، جنگ آذربایجان و ارمنستان (۲۰۲۰)، جنگ روسیه با اوکراین (۲۰۲۲) و حملات مکرر اسرائیل به فلسطین بود.

* پس از ترور بشیر جمیل، رئیس‌جمهور لبنان و رهبر حزب فالانژ (معروف به کتائب)، فالانژیست‌های لبنان به منظور انتقام‌جویی به دو اردوگاه صبرا و شتیلا در بیروت غربی حمله کردند و هزاران نفر از فلسطینیان را به قتل رساندند.

** در جریان این حمله حدود ۳۰۰۰ روستای گردنشین از سکنه تخلیه شدند و ۲ میلیون نفر آواره و حدود ۳۰ هزار نفر کشته شدند.

*** برای مثال در جریان این جنگ ساکنان بوسنیایی شهر مسلمان‌نشین سربرنیتسا (در بوسنی و هرزگوین امروزی) توسط ارتش جمهوری صرب کشته شدند.

**** به‌دنبال سرنگونی هواپیمای حامل رئیس‌جمهور وقت رواندا و رئیس‌جمهور بوروندی، هوتوها دست به حمله‌ی تلافی‌جویانه علیه توتسی‌ها زدند و ظرف ۱۰۰ روز حدود یک میلیون نفر را به قتل رساندند و به حدود نیم میلیون زن و کودک تجاوز جنسی کردند و دو میلیون نفر را آواره ساختند.
***** این درگیری که در غرب سودان صورت گرفت، بیش از ۳۰۰ هزار کشته به جای گذاشت.

۲ منظور از Nation state آن است که یک گروه از جمعیت، در چارچوب یک جغرافیای معین، بر اساس اتکا به اشتراکات قومی، ملی، فرهنگی و غیره خواهان تأسیس دولت متمرکز خودی می‌شوند. این مفهوم دقیق‌تر از کشور است، زیرا یک کشور لزوماً براساس اشتراکات مورد اشاره‌ی فوق و انتخاب آزادانه‌ی آحاد آن تشکیل نمی‌شود.

List of most important ones: India, Pakistan, Israel, Vietnam, Singapore, Bangladesh, South Sudan, East Timor, Kosovo, Montenegro, Eritrea, Palau, South Sudan.

پاکستان؛ چه‌گونه بریتانیا یک دولت - ملت جدید خلق کرد

دلار اسلحه خریداری شد که پیامدش مرگ بیش از سه‌ونیم میلیون نفر بود.^۳ تخمین زده می‌شود که در حال حاضر، در سراسر جهان، ۲۳۳ گروه در حال بسیج نیرو، نزاع و جنگ برای به‌رسمیت‌شناساندن هویت قومی یا ملی و یا مذهبی خود هستند که تعداد زیادی از اینان داعیه‌ی تأسیس دولت - ملت خودی دارند.^۴

از میان کشورهایی که پس از جنگ جهانی دوم اعلام موجودیت کردند، دو مورد ارزش تاریخی-سیاسی ویژه‌ای دارند: پاکستان (۱۹۴۷) و اسرائیل (۱۹۴۸). اینان بر اساس تعلقات خاکی (سرزمین)، هم‌خونی (تبار) و یا سوابق تاریخی و فرهنگی شکل نگرفتند بلکه بر اساس اشتراکات مذهبی به‌وجود آمدند؛ آن‌هم با مهندسی امپریالیسم بریتانیا، در یک زمان معین و در یک منطقه‌ی خاص، یعنی خاورمیانه.

نوشتار حاضر با تمرکز بر مورد پاکستان - که روزهای سرنوشت‌سازی را می‌گذراند - تلاش می‌کند تا پاسخی برای سؤال زیر بیابد:

- چرا و چگونه در یک شرایط تاریخی معین، در منطقه‌ی خاورمیانه، هویت مذهبی آن‌قدر برجسته شد که به تأسیس دو «دولت-ملت» متمایز انجامید؟

مقدمه

کشور هندوستان وارث تمدنی است که در حوزه‌ی رود سند، در حدود سه‌هزار سال پیش از میلاد پیدا شد. از آن‌جا که این منطقه سرپل ارتباطی میان خاورمیانه و خاور دور بود، دائماً در معرض تهاجمات اقوام دور و نزدیک قرار داشت: حمله‌ی هخامنشیان (۵۱۲ و ۵۱۷ پیش از میلاد)، حمله‌ی ترکان غزنوی (اواخر قرن دهم م.)، حمله‌ی مسلمانان (قرن سیزدهم م.)، حمله‌ی تاتارها (قرن چهاردهم م.)، حمله‌ی نادرشاه افشار (قرن هیجدهم م.) و سرانجام مداخله و استعمار انگلیس.

^۳ بژورن هتته، تئوری توسعه و سه جهان، ۱۳۸۱، ترجمه احمد موثقی، ص ۵۵.

^۴ Clements, John (1996). Clements Encyclopedia of World Governments, Vol. 7.

در اواخر قرن ۱۸، امپراتوری بریتانیا از طریق کمپانی هند شرقی،^۵ هندوستان را مستعمره‌ی خود کرد. پس از کش‌وقوس‌های فراوان و پس از یک قرن‌ونیم مبارزه‌ی ضداستعماری، نهایتاً در سال ۱۹۴۷، هندوستان مستقل شد. بریتانیایی‌ها که قصد نداشتند تا هند را به‌سادگی رها کنند و از منطقه خارج شوند، بر آتش تفرقه و نفرت میان مسلمانان و هندوها دمیدند و با حمایت از جنبش جدایی طلب اسلامی، به رهبری محمدعلی جناح، دولت-ملت پاکستان را تأسیس کردند تا محل اسکان مسلمانان یا به‌قولی «پاکان» شود.

به موازات این واقعه، و تقریباً به طور همزمان، بریتانیا طرح دیگری را نیز تدارک دید که آغازگرش نامه‌ی آرتور بالفور - وزیر امور خارجه‌ی وقت بریتانیا - به لرد روچیلد، رهبر جامعه‌ی یهودیان بریتانیا بود (۱۹۱۷). با این نامه که بعدتر به بیانیه‌ی «بالفور»^۶ معروف شد، بریتانیا مجوز رسمی برای تأسیس یک «سرزمین ملی یهودیان» را در منطقه‌ی فلسطین صادر کرد.^۷ این امر یا استقبال لژیون یهودیان^۹ روبرو شد و آنها

^۵ The British East India Company شرکتی بود که امتیازنامه‌ی آن توسط ملکه الیزابت اول در ۳۱ دسامبر ۱۶۰۰ صادر شد. به‌موجب این امتیازنامه کلیه‌ی امور تجاری هند شرقی به مدت ۲۱ سال در انحصار این کمپانی قرار گرفت.

^۶ Balfour Declaration

^۷ Yapp, M.E. (1987). *The Making of the Modern Near East 1792-1923*, Longman. p. 290.

^۸ Macintyre, Donald, "[The birth of modern Israel: A scrap of paper that changed history](#)", *The Independent*, 26 May 2005, Retrieved 20 March 2012.

^۹ The Jewish Legion متشکل از داوطلبان یهودی بود که با تشکیل پنج گردان نظامی، در طول جنگ جهانی اول، به همراه ارتش بریتانیا جنگیده بودند. یکی از رهبران اصلی لژیون یهودی ولادمیر زئو جابوتینسکی بود که که به‌دنبال پوگرام ۱۹۰۳ روسیه به جنبش صهیونیستی پیوسته بود. او از نخستین کسانی بود که با انتشار مقاله‌ای، به‌منظور درهم‌شکستن مخالفت فلسطینی‌ها با تأسیس دولت یهودی در فلسطین خواهان اعمال زور علیه آنان شد. او بعدها در تأسیس نهادهای نظامی و تروریستی در اسرائیل نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد.

پاکستان؛ چه‌گونه بریتانیا یک دولت - ملت جدید خلق کرد

را تشویق کرد تا با تشکیل پنج گردان نظامی به کمک ارتش در حال جنگ بریتانیا بشتابند (۱۹۱۸).

پس از خاتمه‌ی جنگ و ترخیص نیروهای لژیون یهودی، بریتانیا تصمیم گرفت تا به قولش عمل کند و تحت پوشش تقدیر از جان‌فشانی‌های بی‌دریغ اعضای لژیون یهودی، برای تأسیس دولت-ملت یهودی در صهیون (اشاره‌ی تورات به اورشلیم و فلسطین کنونی) پیش‌قدم شود. ۱۱۱۰

با این مقدمه‌ی کوتاه و با تأکید بر نقش بریتانیا در تأسیس کشورهای پاکستان و اسرائیل، روی سیر تاریخی تشکیل پاکستان تمرکز می‌کنیم.

پاکستان

مبارزه برای استقلال هندوستان به رهبری «کنگره‌ی ملی هندوستان» (۱۸۸۵) به ثمر رسید که تحت رهبری مهاتما گاندی و جواهر لعل نهرو بود. هدف کنگره، نیل به استقلال و دفاع از حقوق کلیه‌ی شهروندان هندوستان بود.

در سال ۱۹۰۶، «حزب مسلم لیگ» به رهبری نواب وقارالملک - و بعدتر محمدعلی جناح - تشکیل شد که دفاع از حقوق و منافع مسلمانان هند و تشکیل یک دولت-ملت اسلامی را در سر می‌پروراند.^{۱۲} رهبران لیگ مسلمان از همان آغاز کوشیدند تا پیوندی میان وضعیت مسلمانان هند با موقعیت یهودیان اروپا ایجاد کنند و پلی بین آرمان خود و صهیونیست‌ها بزنند:

10 Schechtman, Joseph B., "Jewish Legion", Encyclopaedia Judaica. Vol. 11, 2007, Macmillan, p. 304. Retrieved 6 August 2014.

11 [Jewish Legion](#), Wikipedia

۱۲ در ۲۳ مارس ۱۹۴۰ طرح معروف «پاکستان» توسط مسلم لیگ تصویب شد و در آن آمده بود: «[هیچ] قانون اساسی در این مملکت قابل اجرا یا قابل قبول مسلمانان نیست مگر آن که ... سرزمین‌هایی که در آن مسلمانان اکثریت جمعیت را دارند، به صورت یک گروه واحد درآیند و یک «کشور مستقل» قانونی را تشکیل دهند. به نقل از کتاب پیتر هاردی، با عنوان «مسلمانان هند بریتانیا»، ترجمه حسن لاهوتی، ص ۳۰۸.

«مسلمانان هند ۹۰ میلیون نفر هستند و یک چهارم کل جمعیت را تشکیل می‌دهند و وضعیت آنها با موقعیت اقلیت‌های ساکن کشورهای اروپایی و یا حتی یهودیان قابل مقایسه است.»^{۱۳}

البته بعضی از صاحب‌نظران - از جمله فاضل دوجی - معتقدند که رابطه‌ی مسلم لیگ با صهیونیسم بسیار فراتر از تشابهات مورد اشاره‌ی فوق بود؛ آن قدر که «می‌شود ادعا کرد دولت یهودی بدون دوقلوی اسلامی‌اش هرگز نمی‌توانست به دنیا بیاید».^{۱۴}

در سال ۱۹۳۳، مسلم لیگ که تا اندازه‌ی زیادی متأثر از آموزه‌های دکتر محمد اقبال، مشهور به اقبال لاهوری، بود به چودری رحمت‌علی که دانشجوی مسلمان دانشگاه کمبریج بود مأموریت داد تا اسمی برای دولت اسلامی آتی انتخاب کند. رحمت‌علی و سه تن از همکارانش در جزوه‌ای به نام «اکنون یا هرگز»، اسم «پاکستان» را که از حروف اول پنجاب، افغانستان (استان مرزی شمال غربی) و کشمیر، با پسوند «ستان» بود، پیشنهاد کردند که در زبان اردو، به معنای «سرزمین پاکان» است.^{۱۵}

در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ هندوستان به استقلال رسید. حزب مسلم لیگ که فرصت را مناسب یافته بود، بلافاصله خواست دیرینه‌اش را مطالبه کرد. بریتانیا نیز که موقعیت را برای اعمال سیاست استعماری دیرینه‌اش - «تفرقه بینداز و حکومت کن!» - مناسب دید، دست به کار شد:

«بریتانیایی‌ها از مذهب به‌عنوان وسیله‌ای برای دسته‌بندی مردم در هند استفاده می‌کردند. برای مثال، برای انتخابات محلی فهرست جداگانه‌ای از مسلمانان و هندوها داشتند. میزان معینی از کرسی‌های انتخاباتی برای هندوها و تعداد مشخصی برای مسلمانان اختصاص می‌یافت. مذهب یک فاکتور مشخص در سیاست بود... /انگلیسی‌ها وقتی دیدند که جایی در هندوستان ندارند/ شروع

^{۱۳} نقل قولی از محمدعلی جناح که در پیش‌گفتار کتاب تبلیغی حزب مسلم لیگ، به قلم M.R.T، منتشر شد.

M. R. T., Pakistan and Muslim India, p. 57.

^{۱۴} Faisal Devji, Muslim Zion, Pakistan as a Political Idea, 2013

^{۱۵} [Pakistan Declaration](#)

پاکستان؛ چه‌گونه بریتانیا یک دولت - ملت جدید خلق کرد

کردند به حمایت سیاسی از رهبرانی که برای جدایی یک سرزمین مسلمان تبلیغ می‌کردند.^{۱۶}

با بالاگرفتن تشنجات و درگیری‌های خونین میان هندوها و مسلمانان، کنگره‌ی ملی هند که به خشونت‌پرهیزی - به رهبری گاندی - عمیقاً متعهد بود، ترجیح داد تا برای نجات سرزمین تازه به استقلال رسیده‌ی هندوستان، با جدایی مسلمانان و تأسیس دولت-ملت اسلامی پاکستان موافقت کند.^{۱۷} پس به نماینده‌ی ملکه‌ی بریتانیا، لرد مونت‌باتن مأموریت داده شد تا طرح تقسیم هندوستان را تنظیم و به امضای طرفین برساند و سر سیریل رادکلیف مأمور شد تا مرزهای جدید بین هند و پاکستان را ترسیم کند.^{۱۸}

مطابق نقشه‌ی جدید، شبه‌قاره‌ی هند به سه بخش تقسیم شد: بخش مرکزی و جنوبی که هندونشین بود و دو بخش شمال غربی و شمال شرقی که ازهم حدود ۱۶۰۰ کیلومتر مربع فاصله داشتند و مسلمان‌نشین بودند. این سه بخش به ترتیب هندوستان، پاکستان غربی و پاکستان شرقی نام گرفتند. البته پاکستان شرقی - بعدتر مستقل شد و کشور «جمهوری خلق بنگلادش» را تشکیل داد (۱۹۷۱) و پاکستان غربی به «جمهوری اسلامی پاکستان» تغییر نام داد.

مهاتما گاندی که در آرزوی یک هندوستان متحد و مستقل بود در سخنرانی‌ای که به همین مناسبت ایراد کرد، گفت:

«ما تا این حد تلاش کردیم... بدون خشونت مقاومت کردیم؛ چرا؟ که از چکک برخاسته و زیر ناوه بنشینیم؟ / ضرب‌المثل است؛ به معنی از چاله به چاه

^{۱۶} به نقل از پروفیسور ناوتی پیوروال، عضو شورای پژوهشی هنر و علوم انسانی، به نقل از بی.بی.سی

فارسی ۲۴ مرداد ۱۴۰۱ - ۱۵ اوت ۲۰۲۲

^{۱۷} مهانداس کارامچاند گاندی با تجاری که از آفریقای جنوبی و مبارزه علیه تبعیض نژادی آموخته بود، عمیقاً به راه‌حل‌های خشونت‌پرهیزانه (ساتیاگرا) متعهد بود و از این رو علی‌رغم تمایل قلبی‌اش، برای پیش‌گیری از جنگ و خونریزی به تجزیه‌ی هندوستان رضایت داد.

^{۱۸} به نقل از بی.بی.سی: چرا هند بریتانیا ۷۵ سال پیش تقسیم شد؟ ۱۵ اوت ۲۰۲۲

افتادن] این درست نیست. ما البته به ادیان مختلف تعلق داریم، با این همه ما همه باهم برادر هستیم. و برادرها باید همدیگر را در آغوش بگیرند.»^{۱۹} اما در آستانه‌ی جشن استقلال، این مردمان نه تنها همدیگر را در آغوش نکشیدند بلکه از هم جدا شدند و جنگ‌های خونینی را علیه هم تدارک دیدند (۱۹۴۷، ۱۹۶۵، ۱۹۷۱، ۱۹۹۹، ۲۰۰۱) که نتیجه‌اش حدود یک میلیون کشته و ۱۵ میلیون بی‌خانمان بود.

«مسلم لیگ شبه‌نظامیان خود را تشکیل داد و گروه‌های دست راستی هندو هم همین کار را کردند. گروه‌های شبه‌نظامی مردم را از روستاهای خود بیرون می‌کردند تا کنترل بیشتری بر اوضاع به دست آورند.»^{۲۰} خود گاندی هم از این امواج خشونت‌بار برکنار نماند و در سن ۷۹ سالگی به دست یک هندوی متعصب که سیاست‌مدارای او را با مسلمانان نمی‌پسندید، به قتل رسید. نزاع و درگیری میان هند و پاکستان – به خصوص در رابطه با سرنوشت کشمیر^{۲۱} – همچنان ادامه دارد و تا به آنجا بغرنج و مزمن شده که دو کشور تا تسلیح به سلاح‌های هسته‌ای پیش‌رفته و کانون بحران ژئوپلیتیکی نگران‌کننده‌ای را به‌وجود آورده‌اند.

۱۹ هند و پاکستان ۷۰ سال پیش چگونه استقلال یافتند؟، دوپچه وله، سیاست، ۲۳/۵/۱۳۹۶

۲۰ دکتر الینور نیوبگین، مدرس ارشد تاریخ آسیای شرقی در دانشگاه سواز لندن، به نقل از بی‌بی‌سی

فارسی ۲۴ مرداد ۱۴۰۱ - ۱۵ اوت ۲۰۲۲

۲۱ در زمان جدایی پاکستان از هند، کشمیر نیز به‌عنوان ایالتی که اکثریت آنرا مسلمانان تشکیل می‌دادند، می‌بایست به پاکستان ملحق می‌شد اما والی آن که هندو بود با امید به اعلام استقلال کشمیر، با سران هند و پاکستان توافق کرد تا برای تصمیم‌گیری به او و ساکنان کشمیر مهلت بدهند. با اعلام جهاد مسلمانان، والی کشمیر به دهلی گریخت و کشمیر را با توافق لرد مونت باتن به قلمرو هند افزود. اما قرار بر این شد که تصمیم نهایی پس از برگزاری یک همه‌پرسی (رفراندوم) گرفته شود؛ چیزی که تا امروز محقق نشده است.

سیاست استعماری

دیدیم که دولت بریتانیا با بهره‌گیری از مقولات «مذهب» و «ملیت» و دفاع از نظریه‌ی «دو ملت، دو دولت»، به همراه کمک‌های پنهان و آشکار به «حزب مسلم لیگ»، نهایتاً موفق شد تا نخستین جمهوری اسلامی را در پاکستان برپا کند. ۲۲ صاحب‌نظران مختلف اهداف متنوعی را برای اتخاذ این سیاست برشمرده‌اند که تا اندازه‌ای به پاگیری نظم جهانی نوینی ربط می‌یابد که در سایه‌ی جنگ‌های جهانی اول و دوم در حال شکل‌گیری بود. شاید بتوان ادعا کرد که اهداف زیر جزو برجسته‌ترین دلایل بریتانیا ذکر شده‌اند:

- ۱- بریتانیا قصد نداشت پیش از ترک هندوستان، جمعیت عظیم مسلمان را که بخش اعظم آن در استخدام ارتش استعماریش بودند و حاکمیتش را بر بخش بزرگی از آسیا، آفریقا و خاورمیانه ممکن کرده بودند، به هندی بسپارد که بریتانیا را خصم دیرینه می‌دانست و برای خلاصی از قیود استعماریش دهه‌ها جنگیده بود. حمایت از جمعیت مسلمان هند برای تأسیس دولت اسلامی پاکستان می‌توانست به بریتانیا کمک کند تا این خیل عظیم را همچنان در صف حامیانش داشته باشد.
- ۲- استقلال هندوستان به معنی خاتمه‌ی حضور بریتانیا در شبه‌قاره‌ی هند بود. حال آن‌که تأسیس پاکستان می‌توانست به معنی تداوم حضور بریتانیا در منطقه باشد.
- ۳- توافق هندوستان با اعلام جدایی پاکستان، راه‌کارهای دیپلماتیک برای تأسیس دولت صهیونیستی را هموارتر می‌کرد.

۴- وجود جمهوری اسلامی پاکستان، آن‌هم تحت حمایت بریتانیا، مانع از نزدیکی هند به شوروی سابق می‌شد. انتشار اسناد طبقه‌بندی شده‌ی آن دوره نشان می‌دهند

۲۲ گفتنی است که در حالا حاضر پنج کشور با نظام تحت عنوان «جمهوری اسلامی» اداره می‌شوند که عبارتند از: پاکستان، موریتانی، ایران، افغانستان و گامبیا.

که چرچیل عمیقاً نگران این موضوع بود. او نمی‌خواست شوروی به اقیانوس هند دسترسی پیدا کند و تهدیدی علیه کنترل غرب بر منابع نفتی و معدنی باشد.^{۲۳}

۵- پروژه‌های تأسیس دولت اسلامی پاکستان بخشی از طرح موسوم به «کمربند سبز» بود که برای مقابله با نفوذ شوروی به‌اجرا درآمده بود. ویژگی این طرح حمایت و تقویت پان اسلامیسیم در خاورمیانه بود.

امت نابرابر

امت مسلمان هند با پرداخت هزینه‌های جانی، آوارگی و مالی فراوان از هندوستان جدا شد و کشور پاکستان را تأسیس کرد تا به دور از تبعیضات وستم مذهبی زندگی کند. اما جدیدترین آمار نشان می‌دهد که آنها نه تنها به آمال و آرزوهای‌شان نرسیدند، بلکه در چنگال معدودی از مالکان بزرگ و تجار کلان به اسارت درآمدند.

پاکستان یکی از نابرابرترین کشورهای جهان است. تنها ۲۲ خانواده، بیش از ۶۶ درصد از صنایع پاکستان را کنترل می‌کنند. فقط ۱ درصد از صاحبان درآمد بالا، ثروتی معادل نیمی از کم‌درآمدها را در اختیار دارند. به بیان دیگر، یک درصدی‌های پاکستانی ۲۶ درصد از کل ثروت جامعه را به خود تخصیص داده‌اند حال آن‌که سهم نیمی از جمعیت پاکستان، تنها ۴ درصد است. صاحبان ثروت هنوز از القاب «خان» و «شریف» - به معنای «حاکم» و «نجیب» - استفاده می‌کنند و حدود ۴۵ درصد از مناصب دولتی و نظامی را در اشغال خود دارند.^{۲۴}

^{۲۳} این اسناد عبارتند از مکاتبات چرچیل، خاطرات و گزارشات لرد مونت باتن و غیره که برخی در کتاب *The Shadow Of The Great Game* نوشته‌ی NS Sarila و هم‌چنین کتاب Prof Ishtiaq Ahmed در مورد محمدعلی جناح آورده شده‌اند. در لینک حاضر می‌توانید اطلاعات بیشتری راجع به این کتاب به دست بیاورید:

[Muhammad Ali Jinnah Got Full Support for His Pakistan Project From the British](#), Talmiz Ahmad, 27/NOV/2020

^{۲۴} به نقل از

جمع‌بندی

- ستم تاریخی بر یهودیان (به‌ویژه در اروپا) و اعمال تبعیض علیه مسلمانان در شبه‌قاره‌ی هندوستان زمینه‌ی مناسب برای ظهور جنبش‌های رهایی‌بخش فراهم کرد. به‌علاوه، نفع‌پرستان و سودجویان داخلی و خارجی را به تکاپو انداخت تا بهره‌برداری‌های خود را بکنند. اسنادی که در طول حدود ۸ دهه‌ی گذشته افشا شدند به‌صراحت نشان دادند که اسرائیل دست‌ساز بریتانیا بود. به‌علاوه معلوم شد که حزب مسلم لیگ و شخص محمدعلی جناح، آلت دست زمین‌داران بزرگ مناطق غربی و شمالی (پاکستان فعلی) و نیز امپریالیسم بریتانیا بودند. بدون دخالت فعال اینان، مذهب هرگز نمی‌توانست زیربنای تأسیس «دولت-ملت» در پاکستان و اسرائیل واقع شود.
- دولت-ملت‌های اسرائیل و پاکستان حول باور مذهبی و در قالب «دولت‌امت» شکل داده شدند. این را ضیاء‌الحق در مصاحبه‌اش با «اکنونمیست» (۱۹۸۱) به‌خوبی تشریح کرد:

«پاکستان هم‌چون اسرائیل یک دولت ایدئولوژیک است. اگر یهودیت را از اسرائیل بیرون بکشی، گویی کارتی را از یک عمارت ساخته‌شده از کارت‌های بازی بیرون کشیده‌ای؛ همه‌اش فروخواهد ریخت. اگر اسلام را از پاکستان جدا کنی و آن را به یک کشور سکولار تبدیل کنی، همین بلا سرش خواهد آمد و فرو خواهد ریخت.»^{۲۵}
- هویتی که صهیونیست‌ها و پاکستانی‌ها براساس خرافات و قصص مذهبی برای خود تراشیدند، متعلق به داوود و سلیمان اساطیری است و ربطی به قوانین، فرهنگ، علایق، آمال و تاریخ واقعی انسان مدرن ندارد. این هویت تخیلی، جعلی و عمیقاً سیاسی است^{۲۶} که پیامدش تقویت هویت‌گرایی قومی و ملی

2525 The Economist, Dec. 12, 1981, p. 48

^{۲۶} این را محمد علی جناح معروف به قائد اعظم و پدر پاکستان نیز اعتراف کرد. او می‌دانست که چیزی به نام ملت پاکستان وجود ندارد و باید ساخته شود؛ آن هم با الگوی امریکایی: «آمریکا را ببینید. وقتی حاکمیت بریتانیا را کنار زد و استقلالش را اعلام کرد، چند ملت در آن وجود داشت؟ نژادهای زیادی:

در نزد هندوها و فلسطینی‌ها بوده است. از این رو باید این گونه هویت‌گرایی‌ها را - به قول ژاکلین رز - نوعی «سرکشی» در برابر واقعیات و عقلانیت قلمداد کرد.^{۲۷}

- اشکال متنوع ستم و تبعیض - مثل ستم جنسیتی، قومی، ملی، مذهبی و غیره - واقعیات انکارناشدنی‌ای هستند که در اینجا و آنجا - از جمله ایران - جریان دارند. این تنازعات دیر یا زود می‌توانند به نتایج مشابهی بیانجامند؛ مگر آن‌که جنبش یک‌پارچه و قدرت‌مندی علیه تبعیض، ستم و نفرت‌پراکنی میان شهروندان پاگیرد و همگان را در صفوف برابری طلبی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی متحد کند.
- قومیت، ملیت، امت و ملت همگی برساخته‌های اجتماعی هستند و در پرتو مباحثات سالم می‌توانند رنگ ببازند. از این رو گام نخست برای حل بحران کنونی، نفی هویت‌های ساختگی و تأکید هرچه بیشتر بر هویت انسانی و شهروندی است. جهان باید خانه‌ی همگان باشد. نباید اجازه داد تا با ارجاع به خاک، خون و ارزش‌های خرافی میان انسان‌ها تفرقه بیندازند و مرز بکشند.

اسپانیایی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، انگلیسی، هلندی و خیلی‌های دیگر. خب، این ملت‌ها آنجا بودند. دشواری‌های زیادی داشتند. اما توجه داشته باشید که ملت‌های آنها در واقعیت وجود داشتند و جزو ملت‌های بزرگ بودند. این در حالیست که شما هیچی نداشتید. شما الان فقط پاکستان را دارید. اما [در آمریکا] یک فرانسوی می‌توانست بگوید "من یک فرانسوی هستم و به یک ملت بزرگ تعلق دارم" و غیره. اما چه اتفاقی افتاد؟ آنها مسئله را دریافتند و متوجه مشکلات خود شدند؛ زیرا عقل داشتند و در مدت بسیار کوتاهی مشکلات‌شان را حل کردند و کلیه‌ی منطقه‌گرایی‌ها را از بین بردند و توانستند نه به عنوان یک آلمانی یا فرانسوی یا انگلیسی یا اسپانیایی بلکه به عنوان یک آمریکایی حرف بزنند.»

Mohammad Ali Jinnah, "Speech at a public meeting in Dacca: 21 March 1948," in S.M. Burke (ed.), *Jinnah: Speeches and Statements, 1947-1948* (Karachi: Oxford University Press, 2000), p. 149.

²⁷ The Question of Zion, Jacqueline Rose, 2005, p. 67